

## درآمد: از نعمت رضوی به محمد کاشانی: شرایط شهر و گزارش از حال خانواده

هو

فدایت شوم مدتی است مرقومات شریفه نرسیده و از حالات مفصل آگاهی حاصل نگردیده بنده هم هفت هشت روزی لنگر رفته بودم باین جهة در عرض تاخیر و تقصیر رفت انشاء الله وجود مسعود شریف در کمال صمت و عافیت است نواب مستطاب اجل اکرم روحنا فدah بحمد الله در کمال استقامت و اعتدال بر سر بستگان سایه گستر بودند سلامت حالات شما را از بندۀ جویا شدند عرض کرده بهمان حالتها که بوده اند و التماس دعا کردم جویای آمدن شدند عرض کردم چیزی ننوشه اند بی میل نبودند که زودتر فراغت حاصل کرده تشریف بیاورید و در هوای گرم آنجا نمانید قدری خیالات خود را صرف پیش آمد امور خود بفرمائید نه اینکه هر طور شد و هر چه پیش آمد خداوند فکر را باو می داده است که امر دنیا و آخرت هر دو را بفکر خود اصلاح نماید و تکلیف شرعی است و منافات با توکل ندارد این است که از عالمت انسانیت یکی فکر است بطور مطلق موظعه حضرت مسٹاطب اجل امجد روحنا فدah هم این اوقات در فکر است در جزئی و کلی امور میفرمائید باید از رویه و فکر حرکت کرد و عاقبت کار را بفکر میکند از جمله فکرها که باید کرد این است که توقف آنجا محض اینکه بدنی در آن محل مدفون است بیحاصل و بی ثمر است چه فایده نه شما از او خبردار میشوید و نه او از شما اعتقاد من این است که اگر از آنجا دور شوید پریشانی حواس کمتر خواهد شد شغل و کاری اگر هست و حالت رسیدگی دارند بسیار خوب و اگر مشغول واجبی یا حالت رسیدنی نیست دستور العمل بحاجی محمد علی مدهید و کارها را مفصل سیاهه کرده هر وقت مراجعت بآنجا فرمودید از روی همان یادداشت همه کارها را تمام کرده میخواهید حاجی هم چون اول تجدید خدمت است معلوم است هر چه بتوند در خدمتگزاری اهتمام میکند و بصداقت و دوستی که خود حاضر و مراقب باشد انجام خدمات را خواهد داد حال بنده را بخواهید همانطور است که سابقاً عرض شده دستهایم بحمد الله بهتر شده همان سیاهی اثر زخم و دُمل باقی است اما از بس خارش میکند و میخارانم دستها و گردن و شانه و پشت و رانها همه وقت جراحت است مثل جائی که گربه پنجه زده باشد فرقی که هست حال سگ پنجه انداخته است همین روزها اراده لنگر دارم چه قدر میتوان بیحاصل در شهر توقف داشت اگر چه خود رقم و شرفیاب شدم لکن باید یکسره رفت اهل خانه قدری علی است پاها و کمرش درد میکند ولی انشاء الله بهر قسم است باید رفت آخر نفهمیدیم خیال بچه قرار گرفت بچه ها را شهر میگذارید یا لنگر اسلم عرض کردن است هرچه فرمودند همان است و باید اطاعت شود خانه مرحوم حاجی علی محمد خان را حاجی محمد رفیع ساکن است و گویا اجاره کرده اگر هم خالی بود خوش نمیامد آنجا منزل کند هر چه کمتر متذکر بشوید خوشتر است سرکار آقای محمد طاهر خان در خانه که بیشتر مال همسیره حاجی محمد حسین خان بود منزل دارند خانه مرحوم حاجی آقا میرزا که پارسال اجاره ایشان بود خالی است اما میل ندارند کسی اجاره کند و هر کس اجاره کند خواهند رنجید اگر بنای لنگری دارد خدمت سرکار روحنا فدah عرض یا عریضه کنید که ایشان اجاره فرمایند و بشما حکم فرمایند که برچه منزل کنید چون جنب منزل ماست من و اهل خانه هم بهتر میتوانیم مراقب حالت نورچشمان باشیم این مطلب را که سرکار آقای محمد طاهر خان

میل ندارند آنخانه را کسی اجاره کند و من نوشته ام شما اجاره کنید کسی نداند اگر بشنوند از بنده میرنجد خدمت جناب مجاهد نصاب مطاع معظم آقا علی سلمه الله تعالی سلام مخلصانه میکنم دعاگو و ملتمن و عالم جناب عده الاحباب مخدوم محترم آقا عبدالحسین را مخلصم و دعاگو و سلام میرسانم نورچشمان را زیاد مشتاق ملاقاتنم خداوند حافظ و نگاهدار آنها و ما همه باشد مخصوصا بوكالت از بنده روی بوس داريد والسلام اهل خانه حاضر است و عرض سلام و بندگی میرساند  
والسلام

[پشت نامه به خطی دیگر:] خط مرحوم میرزا نعمت رضوی منشی مرحوم آقای حاج محمد خان رئیس شیخیه است که بمرحوم آقا محمد کاشانی که از رفقای خاص او بوده است نوشته و مرحوم آقا محمد آقا کاشانی جد این بنده محمد مزاری است ۱۳۲۲/۴/۱۲ محمد مزاری رئیس [...]